

حادثه‌ها

فربب چوپان دروغ‌گور انخورد

● سرپرست اداره تشخیص جرائم سایبری پلیس فتای ناجا گفت: ارسال پیامک‌های اغواگرانه و کلاهبردارانه یکی از رایج‌ترین انواع کلاهبرداری‌هاست که متأسفانه با وجود اطلاع‌رسانی گسترده، شاهد گرفتارشدن قربانیان در دام کلاهبرداران هستیم. سرگرد حمید کیانی از شهروندان خواست در مواجهه با پیامک‌هایی مانند «برنده‌شدن در سفرهای زیارتی، وجه نقد، لپ‌تاپ، تبلت یا پیامک‌هایی مشابه» یا تیزهوشی برخورد کنند تا طعمه افراد سودجو نشوند. وی با اشاره به اینکه کلاهبرداران با ارسال یک پیامک که نویدبخش بازشدن دروازه‌های خوشبختی برای فرد است، کاربران تلفن همراه را وسوسه می‌کنند تا اطلاعات بانکی خود را در اختیار آنها قرار دهند، افزود: در برخی از شگردهای مجرمانه، کلاهبرداران، صاحب حساب را مقابل دستگاه‌های خودپرداز کشانده و از وی می‌خواهند پس از واردکردن کارت خود در عابر بانک با انتخاب زبان فارسی یا انگلیسی کدهایی را در سیستم وارد کنند. این مقام انتظامی ادامه داد: کلاهبرداران با این ترفند نه تنها وجهی را به حساب آنان واریز نمی‌کنند بلکه با فربب اشخاص، رمزهای عبور قربانی را تغییر داده یا از حساب آنها وجهی مشخص را به حسابی دیگر که غالباً جعلی است، منتقل می‌کنند. وی به شهروندان هشدار داد به هیچ عنوان، به این‌گونه پیامک‌ها اعتنایی نکرده و توجه داشته باشند که برای واریز وجه به حساب بانکی‌شان، نیازی به دادن اطلاعات مهم بانکی یا حضور صاحب کارت در کنار دستگاه خودپرداز نیست و عنوان این موضوع که «در انتقال وجه با استفاده از شبکه شتاب اشکالی رخ داده»، صرفاً شگردي است که کلاهبرداران از آن برای خالی‌کردن حساب عابربانک و به دست‌آوردن رمز دوم شهروندان استفاده می‌کنند. سرگرد کیانی افزود: این‌گونه افراد بیشتر از شماره‌های اعتباری برای ارسال پیامک استفاده می‌کنند، این در حالی است که تمامی شرکت‌ها، مؤسسات، اپراتورها و سایر ارگان‌هایی که اقدام به برگزاری مسابقات و... می‌کنند از سامانه‌ای مشخص با ساینی خاص که قبلاً معرفی کرده‌اند، برنده‌ها را اعلام می‌کنند؛ پس در پاسخ‌گویی به این پیامک‌ها بیشتر دقت کنید. سرپرست اداره تشخیص جرائم سایبری پلیس فتای ناجا در ادامه یکی دیگر از کلاهبرداری‌های پیامکی را شگرد چوپان دروغ‌گو خواند و گفت: در این روش، پیامکی برای شخص ارسال می‌شود مبنی بر اینکه من از روستایی در یکی از استان‌های کشور با شما تماس می‌گیرم و شغل من کشاورزی و دامداری است، هنگام کار روی زمین به گنج یا سکه‌های با ارزش برخورد کرده‌ام که برای فروش آنها به کمک شما احتیاج دارم. شماره شما را با استخاره به دست آوردم. این مقام مسئول افزود: مخاطب بی‌اطلاع، از روی طمع و به خاطر به دست‌آوردن گنج زیر خاکی و سکه با پرداخت مبلغی پول، به ظاهر صاحب این سکه‌ها می‌شود؛ ولی بعد از بررسی بیشتر متوجه خواهد شد که این سکه‌ها تقلبی است و ارزش مادی خاصی ندارند. وی ادامه داد: در این روش کلاهبرداران حتی برای ازبین‌رفتن هرگونه سوظن از احساسات مذهبی استفاده یا کلمات را اشتباه تایپ می‌کنند که شخص خواننده باور کند که این افراد بی‌سواد و روستایی هستند. سرپرست اداره تشخیص جرائم سایبری پلیس فتای ناجا با اشاره به انواع کلاهبرداری‌های پیامکی که در ایام و مناسبت‌های خاص صورت می‌گیرد، گفت: شهروندان به هیچ عنوان به این دست پیامک‌ها توجهی نکنند و فربب آنها را نخورند و اصلاً وجهی برای دریافت جایزه به شماره حساب‌های اعلامی واریز نکنند. سرگرد کیانی خاطرنشان کرد: با توجه به افزایش این موضوع برای جلوگیری از وقوع چنین جرائمی و برخورد قاطع با آنها، از هموطنان درخواست می‌شود در صورت مواجهه با موارد مشکوک آن را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir سامانه بخش ثبت گزارش مردمی با ما در میان بگذارند.

همکاری در فروش نوزاد

● دانشجوی پرستاری شاغل به کارورزی در یکی از بیمارستان‌های کاشمر به اتهام جعل اسناد و همکاری در فروش نوزاد بازداشت شد. سرهنگ ابوالقاسم باقری، فرمانده انتظامی کاشمر، گزارش داد: این متهم با سرقت اوراق گواهی ولادت و جعل مدارک قصد همکاری با خانواده خریدار نوزاد را داشت. وی گفت: خانواده‌ای چندی قبل نوزادی را خریداری کرده و با مراجعه به اداره ثبت احوال و ارائه گواهی ولادت مهرور به بخش زایشگاه بیمارستان کاشمر درخواست صدور شناسنامه برای نوزاد را داشتند که کارشناسان اداره ثبت احوال دریافتند گواهی ولادت جعلی است. فرمانده انتظامی کاشمر افزود: با اعلام شکایت نماینده حقوقی اداره ثبت احوال کاشمر مبنی بر سرقت برگ گواهی ولادت نوزاد، تحقیقات پلیس آغاز شد و مأموران دو مظنون پرونده شامل ماما و کارورز پرستاری را به کلانتری احضار کردند. وی ادامه داد: متهم اصلی پرونده که کارورز رشته پرستاری در بیمارستان است پس از مواجهه با مستندات موجود، به سرقت برگه گواهی ولادت و سوءاستفاده از مهر کارشناس مامایی اعتراف کرد.

شرق: پرونده درگیری بین دو گروه از قاچاقچیان مواد مخدر که منجر به تیراندازی و قتل یکی از اعلان درگیری شده بود، در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده سه سال قبل در جنوب شهر تهران تشکیل شد. آن زمان به مأموران خبر دادند نزاع دسته‌جمعی منجر به قتل در یکی از محله‌ها اتفاق افتاده است. با حضور پلیس مشخص شد مردی بر اثر تیراندازی که بین عوامل درگیری رخ داده، جان خود را از دست داده است. وقتی مأموران متهمان را بازداشت کردند، متوجه شدند درگیری بین دو گروه از قاچاقچیان مواد بوده که بر سر پول مواد با هم اختلاف داشتند. یکی از متهمان در توضیح چگونگی نزاع گفت: ما چرا این‌طور آغاز شد که یکی از دوستانم به نام بهمن با من تماس گرفت و گفت دو سال قبل مقداری مواد به فردی به نام رامین داده بود که پولش را به او نداده است. از آنجایی که نمی‌توانست پول را بگیرد، دنبال این بود که یکی از اعضای باند رامین را اخفت کند و روز حادثه وقتی مادرش را که مریض بود به بیمارستان برده،

شرق: پسری که در نوجوانی مرتکب قتل شده بود، یک‌بار دیگر پای میز محاکمه رفت تا براساس قانون جدید محاکمه و رشد عقلی او بررسی شود. به گزارش خبرنگار ما، متهم به نام کاوه که پنج سال پیش در یک کارگاه مقبول قتل شده بود، یک‌بار در شعبه ۷۱ وقت دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و بنابر درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شده بود اما بعد از اینکه در سال ۹۲ قانون جدید مجازات اسلامی به تصویب رسید، وکیل‌مدافع او با توجه به اینکه متهم زمان قتل زیر ۱۸ سال بود، درخواست اعاده دادرسی کرد براساس قانون جدید، افرادی که در سن کمتر از ۱۸ سال تمام مرتکب قتل می‌شوند با تشخیص دادگاه بلوغ و کمال عقلی آنها در کنار بلوغ جسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر کمال عقلی نداشته باشند، از مجازات قصاص معاف می‌شوند. براساس همین ماده بود که وکیل‌مدافع کاوه نیز از رئیس قوه قضائیه خواستار توقف اجرای حکم قصاص متهم شد و این درخواست مورد تأیید قرار گرفت. کاوه روز گذشته در برابر قضات شعبه هشتم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران قرار گرفت و اتهام را قبول کرد. او گفت: من و مقتول با هم دوست بودیم و رابطه خوبی داشتیم. او را به خانه دعوت کرده بودم تا دوستانه صحبت کنیم و کنار هم باشیم، اما حرفی به من زد که خیلی ناراحتم کرد. او به من گفت مزاحم خواهرم شده و می‌خواهد با او رابطه داشته باشد. عصبانی شدم

یکی از دوستان رامین را که در خرید مواد با او همکاری داشت، دیده و او را گروگان گرفته است. دوستم گفت سالار را سوار ماشین و تهدید به قتل کرده است و سالار هم گفته پول را از رامین می‌گیرد و به او می‌دهد. ماجرای چند ۱۰ میلیون پول بود و معامله شیشه خیلی سنگینی انجام گرفته بود. دوستم از من کمک خواست و قرار شد من و چند نفر از دوستانمان در مقابل صافکاری‌ای که بهمن با رامین آنجا قرار گذاشته بود برویم تا اگر درگیری اتفاق افتاد کمک کنیم. چند لحظه بعد از اینکه رسیدیم، متوجه شدیم چند ماشین به طرز مشکوکی پارک و کمین کرده‌اند. من به بهمن گفتم این‌طوری نمی‌شود آنها کمین کرده‌اند تا وقتی که رامین آمد به ما حمله کنند. وقتی زمان قرار فرارسید رامین هم آمد و بدون اینکه معامله‌ای انجام شود، درگیری رخ داد و رامین یک تیر شلیک کرد که به یکی از دوستان خودش به نام کامران برخورد کرد. ما فقط در دعوا شرکت داشتیم و دو گروه همدیگر را می‌زدند البته چوب و چاقو بود اما کسی اسلحه نداشت. وقتی مأموران رامین را بازداشت کردند،

متهم به قتل در دادگاه:

فقط می‌خواستم عصبانیتم را خالی کنم



و گفتم نباید دیگر این کار را بکنم و اصلاً چرا به خواهرم نزدیک شده است. سر این موضوع درگیری شدیدی با هم پیدا و دعوا کردیم. او به من گفت هرکاری خواهد، می‌کند و من حق ندارم به او چیزی بگویم. درگیری ما که بالا گرفت، چاقویی از آشپزخانه برداشتم و به سمتش

متوجه شدند او جوانی سابقه‌دار است که هنوز چند روزی بیشتر نیست که از زندان آزاد شده و به خانه‌اش برگشته است همچنین مشخص شد اختلاف مالی رامین و بهمن به چندین سال قبل برمی‌گشت. آنها چندین کیلو شیشه با هم معامله کرده بودند و از آنجایی که امکان طرح موضوع در دادگاه وجود نداشت، بنابراین وقتی رامین تصمیم گرفت پول بهمن را ندهد، آنها نتوانستند کاری کنند و بعد هم رامین بر سر پرونده دیگری زندانی شد که بعد از دو سال آزادی یک‌بار دیگر دو گروه به‌هم رسیدند. رامین در اعتراف‌اش این‌طور به مأموران گفت: من به خاطر درگیری به دو سال حبس محکوم شده بودم و بهمن هم نمی‌توانست پولش را از من طلب کند البته همه پول دست من نبود با چند نفر تقسیم کرده بودیم. بعد از اینکه از زندان آزاد شدم بهمن خیردار نشد ضمن اینکه من همیشه دوستان بامعرفی داشتم که تنهایی نمی‌گذاشتند و بهمن می‌دانست به همین‌راحتی نمی‌تواند پول را از من بگیرد البته جنسی که داده بود ناخالصی داشت به خاطر همین پول را به او ندادم. روز

حادثه وقتی سالار زنگ زد و گفت بهمن او را گروگان گرفته است، من هم تصمیم گرفتم به کمکش بروم به این بهانه که پول را می‌آورم مقابل صافکاری، با بهمن قرار گذاشتم. یک اسلحه از یکی از دوستانم گرفتم در ماشین دیدم ماشه اسلحه خراب است به بهجه‌ها گفتم این‌طوری نمی‌شود با اسلحه خراب برای دعوا برویم اما چاره‌ای هم نداشتیم در تکان‌هایی که ماشین می‌خورد، اسلحه شلیک می‌کرد. دو تیر به کف ماشین اصابت کرد وقتی هم به محل رسیدم اسلحه را در آوردم که تیر هوایی بزنم اما خودبه‌خود شلیک شد و به گلولی دوست خودم برخورد کرد. اگر من می‌خواستم کسی را بکشم، از طرف مقابل می‌گشتم نه اینکه به سمت دوست خودم شلیک کنم. بعد از اعترافات متهم و تکمیل پرونده، قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری شماره یک استان تهران مسئول رسیدگی به این پرونده شدند. روز گذشته آخرین دفاعیات متهمان اخذ شد و هیات قضات متهم ردیف اول را به قصاص و متهمان دیگر را به اتهام مشارکت در نزاع دسته‌جمعی، به حبس محکوم کردند.

گفت: زمانی که اولیای دم شکایت کردند و خواستار قصاص من شدند، باز هم باور نمی‌کردم چه کار بدی کرده‌ام و چه سرنوشتی در انتظارم است. متهم در حالی چنین اعترافاتی را مطرح کرد که پزشکی‌قانونی نیز تأیید کرده مقتول بر اثر اصابت ضربات چاقو جانش را از دست داده و آتش‌سوزی باعث ازبین‌رفتن بدنش شده است. روز گذشته وقتی متهم در برابر این پرسش قرار گرفت که زمان قتل آیا درک درستی از کاری که انجام داد داشت یا خیر، گفت: واقعاً نمی‌فهمیدم چه می‌کنم اصلاً فکر نمی‌کردم مجازات چنین کاری قصاص باشد. من فقط می‌خواستم عصبانیتم را خالی کنم. واقعیت این است اگر عقل و شعوری که حالا دارم آن موقع داشتم، این کار را نمی‌کردم و درخواست دارم اولیای دم هم با توجه به اینکه در آن زمان نوجوان بودم، من را ببخشند. در این سال‌ها که در کانون اصلاح‌وتربیت بودم، خیلی چیزها را فهمیدم و یاد گرفتم چه کارهایی را نباید بکنم و چطور باید زندگی کنم. من واقعاً فکر نمی‌کردم. او بمیرد و اشتباه بزرگی کردم من آن‌قدر بچه بودم که توان فرار هم نداشتم. تا مدت‌ها شوکه بودم و نمی‌توانستم باور کنم دوستم را به قتل رسانده‌ام. حتی نمی‌توانستم درست به سوالات بازپرس جواب دهم. بعد از گفته‌های متهم و وکیل‌مدافع او، هیات قضات برای صدور رأی درباره قتل و جنایت بر میت که کاوه مرتکب شده است، وارد شور شدند.

حوادث

جنایت در جریان درگیری باندهای قاچاقچی

رخداد

واژگونی اتوبوس راهیان نور

● مدیر روابطعمومی سازمان آتش‌نشانی شیراز گفت: اتوبوس کاروان راهیان نور دانش‌آموزان دختر که از کرمان عازم منطقه شلمچه خوزستان بود، در کمربندی شیراز واژگون شد. به گزارش ایرنا، حسن ایزدی گفت: این اتوبوس حامل ۴۴ نفر از معلمان و دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان بود که ساعت ۱:۲۷ بامداد سه‌شنبه بر اثر برخورد با گاردریل کنار جاده در کمربندی احمدآباد شیراز واژگون شد. او ادامه داد: بر اثر این برخورد، هشت نفر از دانش‌آموزان دچار جراحات سطحی و به اورژانس و بیمارستان منتقل و مداوا شدند. همچنین نیروی انتظامی فارس اعلام کرد این اتوبوس به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه واژگون شد.

پلیس به فرار قاتل پایان داد

● فرمانده انتظامی سیستان‌وبلوچستان از دستگیری قاتل فراری معلم سروانی خبر داد. سردار حسین رحیمی اظهار کرد: در پی قتل معلمی بر اثر اصابت گلوله فرد ناشناس در تاریخ پنجم بهمن ۹۳ روه‌روی یکی از مدارس شهرستان سراوان، بررسی موضوع به طور ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. فرمانده انتظامی سیستان‌وبلوچستان، تصریح کرد: پس از وقوع جرم و با توجه به حساسیت موضوع، تیم‌های تخصصی و عملیاتی در این زمینه تشکیل شد و موضوع از ابعاد مختلف موردبررسی دقیق کارآگاهان پلیس قرار گرفت. این مقام انتظامی ادامه داد: کارآگاهان پلیس پس از انجام اقدامات تخصصی و پایش اطلاعاتی، سرنخی از دخالت یک متهم سابقه‌دار به دست آوردند و پس از شناسایی این متهم محل اختفای وی را در یکی از روستاهای سراوان پیدا کردند. سردار رحیمی افزود: بامداد دیروز با اعزام نیروهای تخصصی و عملیاتی، متهم در مخفیگاهش دستگیر شد. متهم که ابتدا منکر اتهامات وارده بود، در تحقیقات تخصصی پلیس لب به اعتراف گشود. فرمانده انتظامی سیستان‌وبلوچستان تصریح کرد: متهم در مواجهه با ادله تخصصی پلیس به قتل این معلم با استفاده از یک قبضه سلاح غیرمجاز به دلیل اختلافات قبلی اعتراف کرد. وی گفت: پرونده در این زمینه تشکیل و متهم به مقامات قضائی تحویل داده شد.



شماره ثبت: ۳۹۹۱

۴۰ سال همراه با مهرتان

مرکز خیریه معلولین ذهنی

حرفه آموزی وشبانه روزی

شماره حساب: ۳۶۹۲۶۳۱۷ شماره کارت تجارت: ۴۳۴۳ ۹۱۶۶ ۵۳۹۹ ۶۲۷۳ (به نام مرکز خیریه معلولین ذهنی وحدت نزد بانک تجارت شعبه اله وردی پاسداران)

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲ – ۲۲۹۴۷۰۱۴

وحدت آوازی مهربانی

پرداخت از طریق شماره گیری کد:

#۹۸۹۸۹۸*۴*۷۳۳*

عکس روز



گروگان ۱۱ساله بعد از ۱۶ روز از جنگال آدم‌ربایان رهایی یافت. آدم‌ربایان برای آزادی این کودک لرستانی از خانواده‌اش درخواست ۵۰۰ میلیون تومان وجه نقد کرده بودند. متهمان در بازجویی‌های انجام‌شده، هدف اصلی ربودن کودک را اختلاف مالی با پدر او اعلام کردند.